



و راهبردهای خود را تطبیق دهیم. فروتنی کلیدی است؛ باید بپذیریم که درک ما محدود است و برخی مشکلات دشوارند، اما باید درباره آنچه ممکن است در آینده بدست آوریم، ذهنی باز نگه داریم.

چگونه می‌توانیم کار روی رفاه حیوانات و هوش مصنوعی را توجیه کنیم در حالی که رنج و ستم انسانی ادامه دارد؟

ستم بر انسان و غیرانسان به هم پیوسته است. رفتار ما با حیوانات به‌همه‌گیری‌ها و تغییرات اقلیمی دامن می‌زند که به همه ما آسیب می‌زند. به طور مشابه، رفتار ما با سامانه‌های هوش مصنوعی، ارزش‌هایی را شکل می‌دهد که این سامانه‌ها درونی می‌کنند و ممکن است روزی به ما نیز آسیب برسانند. افزون بر این، این ایده که غیرانسان‌ها «پست‌تر» هستند، اغلب ریشه مقایسه‌های غیرانسانی‌کننده‌ای است که برخی انسان‌ها را نیز «پست‌تر» جلوه می‌دهد. به همین دلیل، من آزادی انسان، حیوان و هوش مصنوعی را تقویت‌کننده یکدیگر می‌بینم، نه مانع‌الجمع. پرداختن همزمان به این مسائل به ما امکان می‌دهد اصلاحات ساختاری ایجاد کنیم که رنج و ستم را در تمامی زمینه‌ها کاهش می‌دهد: از نظام‌های غذایی گیاه‌محور گرفته تا زیرساخت‌های دوستدار حیات وحش و همکاری انسان و هوش مصنوعی. کار یکپارچه‌روی این مسائل نه تنها انحراف از مشکلات انسان‌ها نیست، بلکه یکی از مؤثرترین راه‌ها برای پرداختن به این مشکلات است.

چگونه می‌توانیم بدون تداوم بخشیدن به استعمار یا امپریالیسم، به سمت هماهنگی بین‌المللی کار کنیم؟

این چالشی مهم است. بسیاری از مسائلی که با آن روبه‌رو هستیم- همه‌گیری‌ها، تغییرات اقلیمی، ریسک‌های فناوری- مشکلات جهانی هستند که نیازمند هماهنگی بین‌المللی‌اند. در عین حال، هماهنگی بین‌المللی می‌تواند ناعادلانه باشد اگر کشورهای قدرتمند بر تصمیم‌گیری تسلط یابند. راه‌پیش رو، طراحی نهادهایی است که مشارکتی باشند نه تحمیلی و تفاوت‌ها در مسئولیت و آسیب‌پذیری را به رسمیت بشناسند. کشورهایی که به لحاظ تاریخی سهم بیشتری در مشکلات جهانی داشته‌اند، باید مسئولیت بیشتری برای راحل‌ها بپذیرند. به‌طور مشابه، کشورهای که به لحاظ تاریخی بیشتر تحت تأثیر مشکلات جهانی قرار گرفته‌اند، باید حمایت و منافع بیشتری دریافت کنند. این اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت می‌تواند به اطمینان از منصفانه بودن هماهنگی به جای بهره‌کشی کمک کند. بدون این تعادل، هماهنگی بین‌المللی خطر بازتولید بی‌عدالتی‌هایی را دارد که سعی در حل آن‌ها دارد.

اگر امروز می‌توانستید یک پیام اخلاقی به جهان برسانید، آن پیام چه می‌بود؟

پیام من ساده است: دیدگاه خود را گسترش دهید درباره اینکه کدام موجودات ممکن است اهمیت داشته باشند، درباره اینکه چگونه ممکن است بر آن‌ها تأثیر بگذاریم و درباره اینکه چگونه می‌توانیم این تأثیرات را بهبود بخشیم. انسان‌ها سزاوار احترام هستند، اما بسیاری موجودات دیگر نیز که می‌توانند شادی و رنج را تجربه و اهداف خود را تعیین و دنبال کنند، سزاوار احترام‌اند. در عصر انسان‌زاد، مشارکت ما در نظام‌های گسترده اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فناورانه به این معناست که انتخاب‌های ما می‌تواند بر اعضای دیگر گونه‌ها، ملت‌ها و نسل‌ها تأثیر بگذارد. گسترش دایره اخلاقی ما نشان می‌دهد فعالیت‌هایی مانند کشاورزی، توسعه و به کارگیری هوش مصنوعی چگونه می‌توانند به انسان‌ها، حیوانات و محیط زیست آسیب برسانند. همچنین نشان می‌دهد اصلاحات می‌توانند منافع گسترده و فراگیر ایجاد کند. با درک این وابستگی متقابل رفاه انسان، غیرانسان و محیط زیست، می‌توانیم جهانی بسازیم که در آن همه فرصت بهتری برای زندگی خوب داشته باشند.

info@ostadiofficial.ir



عاطفی نامناسب بینجامد. هر دو اشتباه نیز ممکن است در موقعیت‌های مختلف رخ دهند: کم‌توجهی به‌ویژه زمانی خطرناک است که غیرانسان‌ها ظاهر و رفتاری متفاوت از ما داشته باشند و ما آن‌ها را چون کالا ببینیم، در حالی که بیش توجهی زمانی خطر دارد که غیرانسان‌ها شبیه ما به نظر برسند و عمل کنند و ما آن‌ها را چون همدم ببینیم. در ادامه، چالش این است که تعادلی برقرار کنیم: احتمال وجود جایگاه اخلاقی را جدی بگیریم، بدون اینکه شتاب‌زده آن را در همه جا فرض کنیم، این به معنای هدف‌گیری تناسب- دادن نه کمتر و نه بیشتر، بلکه به اندازه مناسب وزن اخلاقی با توجه به بهترین شواهد و استدلال‌های موجود- است.

آیا اتخاذ رویکرد تک‌موضوعی در دفاع از حقوق حیوانات یا هوش مصنوعی خطراتی دارد؟

بله. حقوق بشر، رفاه حیوانات، رفاه هوش مصنوعی، سلامت عمومی و محیط زیست به شدت به هم پیوسته‌اند. رویکرد تک‌موضوعی خطر ساده‌نگاری این تعاملات و ذست دادن فرصت‌های دستیابی به منافع مشترک را به همراه دارد. برای مثال، دامداری صنعتی تنها یک مسئله رفاه حیوانات نیست، بلکه محرک همه‌گیری‌ها و تغییرات اقلیمی نیز هست. به همین ترتیب، توسعه هوش مصنوعی با آزادی و امنیت سیاسی و اقتصادی پیوند دارد. به همین دلیل من از رویکرد «یک سلامت، یک رفاه» حمایت می‌کنم که بر پیوند سلامتی و رفاه انسان، غیرانسان و محیط زیست تأکید می‌ورزد. با جست‌وجوی راحل‌هایی که به طور همزمان به چندین گروه سود می‌رساند، می‌توانیم از معاوضه‌های دشوار اجتناب و ائتلاف‌های گسترده‌تری برای تغییر ایجاد کنیم. دفاع تک‌موضوعی می‌تواند آگاهی را افزایش دهد، اما برای پیشرفت واقعی به راهبردهای یکپارچه‌ای نیاز داریم که پیچیدگی این چالش‌ها را تصدیق کرده و اصلاحات بافواید گسترده را دنبال کنند.

آیا دنبال کردن اصلاحات تدریجی به جای دگرگونی‌های رادیکال خطراتی دارد؟

بله. اصلاحات تدریجی در صورت دنبال شدن به صورت مجزا، تنها پیشرفت محدودی ایجاد می‌کنند. برای مثال، بهبود استانداردهای رفاهی در دامداری صنعتی ممکن است برخی رنج‌ها را کاهش دهد، اما در نهایت از صنعتی پشتیبانی می‌کند که به شکلی گسترده به انسان‌ها، حیوانات و سیاره آسیب می‌زند. با این حال، رویکردهای میانه‌رو و رادیکال در دفاع می‌توانند در صورت پیگیری همزمان، یکدیگر را تقویت کنند. دفاع رادیکال می‌تواند کانون بحث را جابه‌جا کند و اصلاحات میانه‌رو را در مقایسه معقول و دست‌یافتنی جلوه دهد. دفاع میانه‌رو نیز به نوبه خود می‌تواند هدف‌ها را جابه‌جا و شتابی برای تغییرات بلندپروازانه‌تر در آینده ایجاد کند. کلید کار، پیگیری همزمان هر دو رویکرد است: استفاده از دفاع میانه‌رو برای کاهش رنج امروز و دفاع رادیکال برای ساختن نظام‌های عادلانه برای آینده.

آیا خطر آسیب‌های غیرمستقیم ناشی از مداخلات خوش‌نیت وجود دارد؟

بله و باید آن را جدی بگیریم. تلاش برای بهبود زندگی می‌تواند اثرات ناخواسته داشته باشد و به راحتی ممکن است در مجموع بیش از فایده، آسیب ایجاد کند. برای مثال، برنامه‌های تغذیه حیات وحش ممکن است در کوتاه‌مدت رنج را کاهش دهد، اما در بلندمدت ثبات اکوسیستم‌ها را بر هم زند. به طور مشابه، فناوری‌های جدید می‌توانند برخی ریسک‌ها را کاهش دهند و همزمان ریسک‌های جدیدی ایجاد کنند. رفاه حیوانات وحش به ویژه چالشی دشوار است، زیرا مداخلات می‌توانند اثرات موجداری بر جمعیت‌ها داشته باشد که پیش‌بینی آن‌ها سخت است. با این حال، پاسخ درست، تسلیم شدن نیست، بلکه ایجاد دانش و ظرفیت بهتر است. با سرمایه‌گذاری در پژوهش، آموزش و پایش، می‌توانیم پیش‌بینی اثرات غیرمستقیم را یاد گرفته

گفت‌وگو با پروفسور جف سبو، فیلسوف اخلاق در دانشگاه نیویورک درباره انسان، اخلاق و جهان امروز

هوش مصنوعی هم می‌تواند رنج ببرد؟

محمّد جواد استادی | در عصری که

و عمل) باید اساس این شمولیت باشند. بر این پایه، نه‌تنها پستانداران پیچیده، بلکه بسیاری از بی‌مهرگان، اکوسیستم‌های زنده و حتی سامانه‌های هوش مصنوعی آینده که ممکن است واجد شکلی از آگاهی یا هدفمندی شوند، واجد «ارزش ذاتی» و مستحق توجه اخلاقی هستند. این نگاه، پیامدهای عملی گسترده‌ای دارد. بیسبو به وضوح نشان می‌دهد چگونه کشاورزی صنعتی امروز، تنها یک مسئله رفاه حیوانات نیست، بلکه حلقه‌ای کلیدی در زنجیره ایجاد همه‌گیری‌ها، تخریب محیط زیست و تهدید سلامت کارگران و جوامع محلی است. یا چگونه توسعه فناوری و هوش مصنوعی، بدون درنظرگیری تأثیرات اخلاقی گسترده‌تر، می‌تواند به استثمار جدیدی از حیوانات، طبیعت و حتی خود انسان‌ها بینجامد. راه حل او، حرکت به سمت «طراحی سیستم‌های یکپارچه» است: گذار به کشاورزی مبتنی بر پروتئین‌های گیاهی و کشت‌شده، طراحی شهرها و زیرساخت‌ها با اولویت حفظ پیوندهای اکولوژیک و وضع مقررات «احتیاط‌محور» برای هوش مصنوعی که رفاه بالقوه تمام ذی‌نفعان، از جمله خود سامانه‌های هوشمند، را در نظر بگیرد. سبو با شجاعت به دشوارترین انتقادها نیز پاسخ می‌گوید: آیا این نگاه، انسان را به حاشیه نمی‌راند؟ او با رد «استثناگرایی انسان‌محور» مطلق، بر مسئولیت منحصر به فرد انسان به عنوان عامل تغییر تأکید می‌کند. آیا عدم قطعیت علمی درباره آگاهی حیوانات یا هوش مصنوعی، ما را از اقدام بازمی‌دارد؟

چگونه باید به سیاست‌های مرتبط با توسعه هوش مصنوعی روی آوریم؟

توسعه هوش مصنوعی ریسک‌ها و منافع برای انسان‌ها، حیوانات و بالقوه برای خود سامانه‌های هوش مصنوعی ایجاد می‌کند. سیاست‌های فعلی تقریباً به طور کامل بر امن و سودمند کردن هوش مصنوعی برای انسان‌ها متمرکز است که ضروری اما کافی است. ما همچنین باید ریسک‌ها و منافع برای حیوانات را در نظر بگیریم و همزمان برای این امکان آماده شویم که روزی سامانه‌های هوش مصنوعی نیز ممکن است سزاوار توجه اخلاقی شوند. گام‌های اولیه شامل به رسمیت شناختن رفاه هوش مصنوعی به عنوان یک مسئله مشروع، توسعه روش‌هایی برای ارزیابی ویژگی‌های مرتبط با رفاه در سامانه‌های هوش مصنوعی و ایجاد سیاست‌ها و رویه‌هایی برای رفتار با سامانه‌های هوش مصنوعی با میزان مناسب ملاحظه اخلاقی است. اگر تا زمانی که هوش مصنوعی پیشرفته‌تر و گسترده‌تر شود منتظر بمانیم، خطر مواجهه ناآماده- مانند آنچه در تغییرات اقلیمی رخ داد- ما را تهدید می‌کند. اقدام اکنون می‌تواند توسعه فناوری را با اهداف گسترده‌تر عدالت و پایداری همسوز کند.

امروزه چگونه باید درباره استثناگرایی انسان‌محور بیندیشیم؟ استثناگرایی انسان‌محور این دیدگاه است که انسان‌ها همیشه مهم‌ترین هستند و همیشه اولویت دارند. به نظر من این دیدگاه نادرست است، اما معتقدم حاوی بخشی از حقیقت نیز هست. انسان‌ها واقعاً ظرفیت‌ها و آسیب‌پذیری‌های متمایزی دارند که توجه ویژه به‌خودمان را توجیه می‌کند و در حال حاضر اولویت دادن به شکوفایی انسان منطقی است، زیرا این ما هستیم که تصمیم می‌گیریم. اما در عین حال، ما این توانایی را داریم که بسیار کمتر از امروز به غیرانسان‌ها آسیب‌پذیر و بسیار بیشتر به آن‌ها کمک کنیم. به همین دلیل، معتقدم ما هم فرصت و هم مسئولیت داریم که رفتار خود با غیرانسان‌ها را بهبود بخشیم، حتی در حالی که انسانیت را در اولویت قرار می‌دهیم و در آینده، ممکن است بتوان جهان‌هایی آفرید که در آن‌ها انسان‌ها، حیوانات و شاید حتی سامانه‌های هوش مصنوعی بتوانند به شیوه‌هایی که امروز تنها می‌توانیم آغاز به تصور آن کنیم، در کنار هم شکوفا شوند.

آیا استعاره «دایره» خطر تقویت تقسیم‌بندی‌ها و طردشدگی‌ها را دارد؟

این نکته منصفانه‌ای است، زیرا یک دایره می‌تواند با ایجاد مرزی سفت‌وسخت- که برخی موجودات داخل و برخی خارج آن هستند- تقسیم‌بندی‌ها را تقویت کند. با این حال، پرسش از اینکه رفاه‌های اخلاقی را کجا و چگونه ترسیم کنیم همچنان می‌تواند مفید باشد، زیرا به طور محتمل تفاوت‌های مهمی - مثلاً بین موجودات قادر به رنج و موجودات غیرقادر به رنج- وجود دارد. اما حتی اگر چنین خطی ترسیم کنیم، باید از تأکید بیش از حد بر آن پرهیز کنیم. اولاً، ممکن است تفاوت‌های اخلاقاً معناداری میان کسانی که داخل دایره هستند- مانند تفاوت بین انسان و سایر حیوانات- وجود داشته باشد که نیازمند تمایزات اخلاقی بیشتری است. ثانیاً، ممکن است شباهت‌های مهمی بین شامل شدن‌گان و طردشدگان وجود داشته باشد که به ما امکان می‌دهد شیوه‌های اضافی برای اهمیت‌داشتن را به رسمیت بشناسیم. به این دلایل، بهتر است استعاره دایره به عنوان ابزاری برای هدایت تأملات در نظر گرفته شود، نه به عنوان نقشه‌ای ثابت که دقیقاً شخص‌کند کدام موجودات مهم هستند و دقیقاً چگونه مهم هستند.

آیا رفتار کردن با موجودات بیش از حد به عنوان موجودات دارای اهمیت اخلاقی، خطراتی دارد؟

بله، در هر دو طرف خطراتی وجود دارد. هر دو اشتباه می‌توانند مضر باشند: کم‌توجهی به جایگاه اخلاقی می‌تواند ما را به نادیده گرفتن رنج سوزهای آسیب‌پذیر سوق دهد، در حالی که بیش توجهی به جایگاه اخلاقی می‌تواند به تخصیص نادرست منابع محدود یا شکل‌گیری پیوندهای اجتماعی و

محمّد جواد استادی | در عصری که شاهد تشدید بی‌سابقه تغییرات اقلیمی، انقراض گونه‌ها، صنعتی شدن رنج حیوانات و ظهور فناوری‌های هوشمند خودمختار هستیم، پرسش از «حدود و مسئولیت‌های اخلاقی» انسان دیگر یک بحث آکادمیک محض نیست؛ بلکه به معضلی فوری و سرنوشت‌ساز تبدیل شده است. در چنین بستری، گفت‌وگوی ما با پروفسور جف سبو، فیلسوف برجسته اخلاق کاربردی در دانشگاه نیویورک و نویسنده کتاب تأثیرگذار «دایره اخلاقی: چه کسی اهمیت دارد، چه چیزی اهمیت دارد و چرا؟»، تلاش می‌کند تا افق این بحث حیاتی را گسترش دهد. بیسبو با استدلالی نظام‌مند و متکی بر علوم شناختی و زیست‌شناسی، از ضرورت عبور از «انسان‌محوری» اخلاقی دفاع کرده و دعوت به بازتعریف رادیکال مفهوم «جامعه اخلاقی» می‌کند. در این مصاحبه عمیق، سبو تاریخ بشری را تاریخ «گسترش دردناک و پرچالش دایره اخلاقی» می‌داند؛ از نفی حقوق بردگان و زنان تا به رسمیت شناختن حقوق کودکان و افراد دارای معلولیت. به باور او، اکنون در آستانه «انقلاب اخلاقی بعدی» قرار داریم: شمول اخلاقی موجوداتی که تا دیروز «اشیا» تلقی می‌شدند. او استدلال می‌کند دو معیار کلیدی «حساسیت» (توانایی تجربه درد و لذت) و «عاملیت» (توانایی هدف‌گذاری

چگونه باید به این اختلاف نظر‌ها و عدم قطعیت‌ها چگونه باید عمل کنیم؟

از آنجا که مناظرات علمی و اخلاقی پیچیده و مورد مناقشه هستند، نباید انتظار پاسخ‌های روشنی در آینده نزدیک داشت. با این حال، عدم قطعیت دلیلی برای تأخیر در اقدام نیست، برعکس، دلیلی است برای اقدام محتاطانه. هنگامی که احتمال واقعی وجود دارد که انتخاب‌های ما ممکن است آسیب‌جدی‌ای-چه به انسان‌ها، حیوانات یا حتی سامانه‌های هوش مصنوعی- وارد کند، باید گام‌های متناسبی برای کاهش این ریسک‌ها برداریم. برای مثال، اگر مرغ‌ها، ماهی‌ها، حشرات یا جت‌بات‌ها ممکن است توانایی رنج کشیدن داشته باشند، باید از اقداماتی که به طور محتمل موجب رنج آن‌ها می‌شود پرهیز کنیم. همزمان، باید آماده به‌روزرسانی دیدگاه‌های خود با ظهور شواهد جدید باشیم. این رویکرد احتیاطی به ما امکان می‌دهد احتمال اشتباهات فاجعه‌بار را کاهش دهیم و در عین حال انعطاف لازم برای آینده را حفظ کنیم. به‌طور خلاصه، عدم قطعیت درباره مسائل مهم باید ما را به سمت اقدام مسئولانه و سنجیده سوق دهد، نه نادیده‌گیری یا بی‌عملی.

پیامدهای این دیدگاه برای حشرات و سامانه‌های هوش مصنوعی چیست؟

به نظر من باید حداقل مقداری ملاحظه اخلاقی برای همه مهره‌داران، بسیاری از بی‌مهرگان و برخی سامانه‌های هوش مصنوعی در آینده نزدیک قائل شویم. شواهد نشان می‌دهد حشرات و دیگر بی‌مهرگان ممکن است دارای قابلیت‌هایی برای احساس یا عاملیت باشند، حتی اگر متفاوت از ما باشند. به‌طور مشابه، برخی سامانه‌های پیشرفته هوش مصنوعی در حال نشان دادن توانایی‌های شناختی پیچیده‌ای هستند که ممکن است روزی نگرانی‌هایی درباره رفاه آن‌ها ایجاد کند. در عصر انسان، انسان‌ها بیش از هر زمان دیگری زندگی این موجودات را از طریق کشاورزی، زیرساخت‌ها، تغییرات اقلیمی، همه‌گیری‌ها، فناوری و موارد دیگر شکل می‌دهند. این بدان معناست که انتخاب‌های ما همواره چه مستقیم و چه غیرمستقیم- ریسک‌های جدی برای غیرانسان‌ها ایجاد می‌کند. حتی اگر احتمال احساس‌دار بودن یا عاملیت آن‌ها کم باشد، هزینه‌های بالقوه به اندازه‌ای بالا است که باید این احتمالات را در تصمیم‌گیری‌ها در نظر بگیریم. چنین رویکردی به ما کمک می‌کند از رنج‌های غیرضروری اجتناب کنیم و اطمینان حاصل کنیم که نظام‌های ما به مرور زمان از نظر اخلاقی صحیح عمل می‌کنند.

چگونه باید به سیاست‌های مرتبط با کشاورزی و زیرساخت‌ها روی آوریم؟

کشاورزی و زیرساخت‌ها زندگی انسان‌ها، حیوانات و محیط زیست را شکل می‌دهند. دامداری صنعتی مقادیر عظیمی غذا تولید می‌کند، اما به بهای گزاف: میلیاردها حیوان در محصوریت زندگی می‌کنند، کارگران با شرایط خطرناک مواجه‌اند و جوامع انسانی با خطرات آلودگی و بیماری دست‌به‌گریبان هستند. پروژه‌های زیرساختی نیز اغلب زیستگاه‌ها را نابود، اکوسیستم‌ها را از تکه‌تکه و تغییرات اقلیمی را تشدید می‌کنند. به دلیل این مشکلات، ما به یک گذار عادلانه به سمت سیستم‌های غذایی گیاه‌محور و زیرساخت‌های دوستدار حیات وحش نیاز داریم. غذاهای گیاهی و کشت‌شده می‌توانند رنج حیوانات، خطرات سلامت عمومی و آسیب زیست‌محیطی را کاهش دهند. گذرگاه‌های حیات وحش و انرژی‌های تجدیدپذیر می‌توانند از حیات وحش و تنوع زیستی محافظت و در عین حال از جوامع انسانی پشتیبانی کنند.

این اصلاحات می‌توانند برای انسان‌ها و غیرانسان‌ها سودمند باشند: با طراحی سیستم‌هایی که به‌طور همزمان به انسان‌ها، حیوانات و سیاره زمین سود می‌رساند، می‌توانیم نیازهای انسانی را کارآمدتر برآورده کنیم و در عین حال خطرات برای غیرانسان‌ها و نسل‌های آینده را کاهش دهیم.

دایره اخلاقی چیست و چرا اهمیت دارد؟

دایره اخلاقی مجموعه موجوداتی را توصیف می‌کند که ما برای آن‌ها ارزش اخلاقی قائل هستیم. در طول تاریخ، جوامع دایره‌هایی محدود ترسیم می‌کردند و زنان، افراد غیر سفیدپوست، افراد دارای معلولیت و دیگران را از جایگاه کامل انسانی محروم می‌نمودند. به مرور زمان، جنبش‌های عدالت خواهانه به درستی بر گسترش این دایره برای شمول همه انسان‌ها استدلال کرده‌اند. امروزه، بسیاری معتقدند باید این گسترش را ادامه داده و ملاحظات اخلاقی را به حیوانات، اکوسیستم‌ها و حتی احتمالاً هوش مصنوعی تعمیم دهیم. این استدلال‌ها ارزش توجه جدی را دارند، زیرا موجودات خارج از این دایره در معرض بهره‌کشی و نابودی هستند. با گسترش دیدگاه خود، می‌توانیم آسیب‌های پنهان را شناسایی کنیم، نهادهایی بسازیم که از آسیب‌پذیران محافظت کنند و سیاست‌هایی طراحی کنیم که رفاه را در جوامع و نسل‌ها ترویج دهند. گسترش دایره اخلاقی آرمانی بلندپروازانه است، اما اگر خواهان جهانی عادلانه‌تر و پایدارتر هستیم، ممکن است ضروری نیز باشد.

در مورد اختلاف نظر‌های اخلاقی و عدم قطعیت درباره جایگاه اخلاقی و عمل درست چه می‌توان گفت؟

اختلاف نظر اخلاقی اجتناب‌ناپذیر است. برخی بر «حساسیت» (توانایی احساس لذت و رنج) به عنوان پایه جایگاه اخلاقی تأکید می‌کنند، در حالی که برخی دیگر بر «عاملیت» (توانایی تعیین و دنبال کردن اهداف) تأکید دارند. به طور مشابه، برخی نظر به‌های اخلاقی به کمک به دیگران گرایش دارند، در حالی که برخی دیگر بر پرهیز از آسیب متمرکزند. این دیدگاه‌ها به قضاوت‌های متفاوتی درباره اینکه چه کسانی مهم هستند و ما چه تعهداتی در قبال آن‌ها داریم، منجر می‌شوند. اما هنوز اتفاق نظر گسترده‌ای بر چند نکته کلیدی وجود دارد: باید از آسیب زدن به موجوداتی که دارای احساس و عاملیت هستند پرهیز کنیم و زمانی که آسیب می‌زنیم، باید درصدد جبران آن باشیم. خواه اصل راهنمای ما جلوگیری از رنج باشد یا احترام به خودمختاری، نتیجه یکسان است: دلایل محکمی داریم تا آسیب اجتناب‌پذیر به کسانی که می‌توانند احساس کنند یا عمل کنند را کاهش دهیم. این بنیان مشترک، حتی در حالی که مباحث درباره محدوده کامل جایگاه اخلاقی و بهترین نظر به کلی اخلاقی ادامه دارد، زمینه مشترکی برای پیشرفت در اختیار ما می‌گذارد.

در مورد اختلاف نظر علمی و عدم قطعیت درباره اینکه کدام موجودات دارای احساس هستند و اقدامات ما چگونه بر آن‌ها تأثیر می‌گذارد، چه می‌توان گفت؟

اختلاف‌نظر‌های علمی تصویری مشابه مناقشات اخلاقی ارائه می‌دهند. برای مثال، برخی پژوهشگران استدلال می‌کنند که احساس‌دار بودن مستلزم داشتن مغز، بدن و تاریخ تکاملی مشابه ماست. برخی دیگر معتقدند که صرفاً نیاز انواع خاصی از پردازش اطلاعات است. این مسئله عدم قطعیت واقعی درباره اینکه آیا حیوانات خاص یا سامانه‌های هوش مصنوعی ممکن است قادر به رنج کشیدن باشند، باقی می‌گذارد. از جنبه تأثیرگذاری، برخی استدلال می‌کنند اقدامات فردی- مانند تغییر رژیم غذایی یا نحوه رأی دادن- هیچ تأثیری بر نظام‌های جهانی ندارد. دیگران معتقدند این اقدامات در ترکیب با یکدیگر، تأثیرات جمعی ایجاد می‌کنند. این مناظره‌ها پیچیده است و هرچند افراد منطقی ممکن است به سمتی گرایش داشته باشند، باز نگاه داشتن ذهن و باقی گذاشتن جایی برای تردید مفید است. حتی اگر من مطمئن باشم که حشرات و سامانه‌های هوش مصنوعی قادر به رنج کشیدن نیستند و رفتار فردی من تأثیری بر نظام‌های جهانی ندارد، باید امکان اشتباه بودن این دیدگاه را در نظر بگیرم.



محمّد جواد استادی | در عصری که شاهد تشدید بی‌سابقه تغییرات اقلیمی، انقراض گونه‌ها، صنعتی شدن رنج حیوانات و ظهور فناوری‌های هوشمند خودمختار هستیم، پرسش از «حدود و مسئولیت‌های اخلاقی» انسان دیگر یک بحث آکادمیک محض نیست؛ بلکه به معضلی فوری و سرنوشت‌ساز تبدیل شده است. در چنین بستری، گفت‌وگوی ما با پروفسور جف سبو، فیلسوف برجسته اخلاق کاربردی در دانشگاه نیویورک و نویسنده کتاب تأثیرگذار «دایره اخلاقی: چه کسی اهمیت دارد، چه چیزی اهمیت دارد و چرا؟»، تلاش می‌کند تا افق این بحث حیاتی را گسترش دهد. بیسبو با استدلالی نظام‌مند و متکی بر علوم شناختی و زیست‌شناسی، از ضرورت عبور از «انسان‌محوری» اخلاقی دفاع کرده و دعوت به بازتعریف رادیکال مفهوم «جامعه اخلاقی» می‌کند. در این مصاحبه عمیق، سبو تاریخ بشری را تاریخ «گسترش دردناک و پرچالش دایره اخلاقی» می‌داند؛ از نفی حقوق بردگان و زنان تا به رسمیت شناختن حقوق کودکان و افراد دارای معلولیت. به باور او، اکنون در آستانه «انقلاب اخلاقی بعدی» قرار داریم: شمول اخلاقی موجوداتی که تا دیروز «اشیا» تلقی می‌شدند. او استدلال می‌کند دو معیار کلیدی «حساسیت» (توانایی تجربه درد و لذت) و «عاملیت» (توانایی هدف‌گذاری